

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
AWARD

Case No. 11429

Chamber Three

دیوان دآوری دعاری ایران - ایالات متحدہ

پرونده شماره ۱۱۴۲۹
شعبه سه
حکم شماره ۳-۱۱۴۲۹-۴۵۵

اوشن - ار کارگو کلیمز اینکورپوریتد،
ادعای کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار مطروح توسط
ایالات متحده امریکا،
خواهان،

- و -

جمهوری اسلامی ایران،
خوانده.

حکم

| | |
|---------------------------------------|---|
| IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL | دیوان دآوری دعاری ایران - ایالات متحدہ |
| FILED | ثبت شد |
| DATE | 15 DEC 1989 |
| | تاریخ ۱۳۶۸ / ۹ / ۲۴ |

یک - مقدمه و گردش کار

۱ - خواهان، اوشن - ار کارگو کلیمز، اینکورپوریتد ("خواهان") حسب اظهار، شرکتی است امریکایی که طبق قوانین ایالت نیویورک تشکیل شده است. در ۲۹ دیماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲] ایالات متحده ادعایی از طرف خواهان، علیه جمهوری اسلامی ایران ("خوانده") به ثبت رساند. ادعا مربوط است به وصول مبالغ پرداختی به سه بیمه‌گذار که در اثر مفقود شدن یا آسیب دیدگی محموله‌های قهوه، در جریان حمل آنها توسط خطوط کشتیرانی ایران اکسپرس متحمل خساراتی شده بودند. خواهان ادعا را به عنوان نماینده گروهی شرکت بیمه اقامه کرده است.

۲ - خواهان جمعا مبلغ ۲۱۶،۰۰۰/- دلار به علاوه بهره و هزینه‌های دادرسی مطالبه می‌کند.

۳ - در ۱۳ خردادماه ۱۳۶۵ [سوم ژوئن ۱۹۸۶] دیوان به خواهان دستور داد که یک دادخواست تکمیلی همراه با مدارک مستندی که مایل است مورد استناد قرار دهد، به ثبت رساند. در ۲۸ اسفندماه ۱۳۶۵ [۱۹ مارس ۱۹۸۷] پس از چند بار تمدید مهلت، خواهان اظهاریه‌ای تحت عنوان: "تقاضا می‌شود دیوان مقدماتاً درباره صلاحیت خود تصمیم اتخاذ فرماید"، به ثبت رساند.

۴ - در پاسخ به دستور مورخ هفتم فروردین ماه ۱۳۶۶ [۲۷ مارس ۱۹۸۷] دیوان، خطوط کشتیرانی ایران اکسپرس پاسخ خود را به جوابیه خواهان به ثبت رساند و در آن استدلال کرد که "طبق ماده ۲۱ قواعد دیوان، فقط خوانده است که حق دارد به موضوع صلاحیت ایراد و اعتراض به عمل آورد و نه خواهان".

۵ - دیوان طی دستور مورخ ۱۵ بهمن ماه ۱۳۶۶ [چهارم فوریه ۱۹۸۸] نظر داد که "در ماده ۲۱ قواعد دیوان مطلبی دال بر ممنوعیت خواهان از طرح چنین اعتراضی وجود ندارد" و به طرفین اطلاع داد که براساس مدارک موجود نزد خود، درباره صلاحیت رسیدگی به پرونده به عنوان یک موضوع مقدماتی تصمیم خواهد گرفت و به طرفین اجازه داد که لوایح و مدارک بعدی خود را در رابطه با این موضوع تسلیم کنند.

۶ - خواهان اظهاریه‌ای تحت عنوان "ارائه اطلاعات تکمیلی" در ۲۴ اسفندماه ۱۳۶۶ [۱۴ مارس ۱۹۸۸] و خواننده "لایحه جمهوری اسلامی ایران درباره صلاحیت دیوان" را در چهارم مهرماه ۱۳۶۷ [۲۶ سپتامبر ۱۹۸۸] به ثبت رساندند.

دو - واقعیات و اظهارات

۷ - ادعای پرونده حاضر مربوط است به کسر و عدم تحویل و آسیب دیدگی ادعایی چند محموله قهوه در سال ۱۹۷۸ که با کشتی های متعلق به خطوط کشتیرانی ایران اکسپرس برای گیرندگانی در نیویورک حمل شده بود. خطوط کشتیرانی ایران اکسپرس حسب اظهار، یک واحد تحت کنترل دولت ایران است. خواهان بدواً ادعا کرده بود که سه گیرنده محمولات یعنی، اکلی اینترنشنال اینک، ("اکلی")، گیل اند دافوس، اینک ("گیل اند دافوس") و ولکارت برادرز اینک ("ولکارت برادرز") (مجتمعاً "بیمه‌گذاران") اتباع ایالات متحده‌اند، ولی متعاقباً خواهان اذعان کرد که ولکارت برادرز به مفهوم بیانیه حل و فصل دعاوی، تبعه ایالات متحده نیست.

۸ - هر یک از بیمه‌گذاران، محمولات خود را نزد شرکتهای مختلف بیمه در فرانسه بیمه کرده بودند و بابت خسارات متحمل، از آن شرکتهای مطالبه غرامت کرده‌اند. هر یک

از شرکتهای بیمه پس از حصول اطمینان از ورود زیان، خسارت بیمه را یا مستقیماً به گیرنده کالا و یا، در مورد دو شرکت گیل اند دافوس و ولکارت برادرز از طریق خواهان، به عنوان نماینده بیمه‌گر پرداخت. این پرداختها حسب ادعا طبق قرارداد شفاهی بین خواهان و بیمه‌گران به عمل آمد. مدارکی دال بر اینکه در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ مبلغ ۳۹،۰۶۳/۵۲ دلار به گیل اند دافوس و مبلغ ۴۸،۹۶۵/۲۵ دلار به ولکارت برادرز پرداخت شده، به دیوان تسلیم گردیده است. خواهان اظهار می‌دارد که مطالبه خسارت از یان سی. یوترویک، اینکورپوریتد، نماینده خطوط کشتیرانی ایران اکسپرس در ایالات متحده، بی جواب ماند. مدرکی راجع به چنین مطالبه‌ای به دیوان ارائه نشده است.

۹ - خواهان اظهار می‌دارد که با پرداخت خسارت به بیمه‌گذاران، وی قائم مقام هر یک از گیرندگان محمولات شده و تحت این عنوان حق دارد دعاوی بیمه‌گذاران را در مراجع ذیصلاح تعقیب کند و اضافه می‌کند که به این منظور، به نام بیمه‌گذاران در دادگاههای ایالات متحده اقامه دعوی کرد که با اجرای موافقت‌نامه‌های الجزیره در سال ۱۹۸۱، دعاوی مزبور به حالت تعلیق در آمد.

۱۰ - خواهان به ویژه اظهار می‌دارد که به استناد مبالغ پرداختی و موافقتنامه‌های جانشینی در قراردادهای اصلی بیمه با گیرندگان، بیمه‌گران قائم مقام کلیه حقوق بیمه‌گذاران اصلی در قبال خطوط کشتیرانی ایران اکسپرس، از جمله حق اقامه دعوا علیه شرکت مزبور در دیوان شدند. خواهان اظهار می‌دارد که بدین ترتیب، با پرداخت خسارت به بیمه‌گذاران و طبق قرارداد شفاهی ادعایی خود با بیمه‌گران، حق و تعهد تعقیب دعاوی حاضر و دریافت درصدی از مبالغ وصولی را کسب کرده است. خواهان اظهار می‌دارد که حق اقامه این دعاوی، بدین ترتیب، از صاحبان اصلی امریکایی، یعنی بیمه‌گذاران، به وی منتقل شده است، بدون آنکه وقفه‌ای در

استمرار تابعیت ادعاها" پدید آمده باشد.

۱۱ - و بالاخره، خواهان اظهار می‌دارد که از زمان پرداخت خسارت، با استناد به حق قراردادی ادعایی خود در سهم شدن در خسارت وصولی، حق و منفعی واقعی و پابرجا در ادعاها داشته است. خواهان اذعان دارد که بخشی از چنین عوایدی به بیمه‌گران تعلق می‌گیرد، که به مفهوم بیانیه حل و فصل دعاوی، اتباع ایالات متحده نیستند.

۱۲ - خواهان تصدیق می‌کند که باتوجه به آراء^۶ و نظرات دیوان درباره استمرار مالکیت ادعاها، سئوالاتی از لحاظ صلاحیت دیوان نسبت به این ادعاها مطرح می‌شود. گرچه خواهان حق اقامه دعوا در دادگاههای ایالات متحده را برای خود محفوظ نگه داشته، ولی اظهار می‌دارد که تنها هنگامی می‌تواند دعاوی مزبور را در آن دادگاهها تعقیب کند که عدم صلاحیت دیوان نسبت به آنها محرز شده باشد. بنابراین خواهان تقاضا دارد که دیوان مقدماتاً در باب صلاحیت خود تصمیم گیرد.

۱۳ - خطوط کشتیرانی ایران اکسپرس در لایحه مورخ ۲۷ شهریورماه ۱۳۶۶ [۱۸ سپتامبر ۱۹۸۷] خود اظهار داشته که یک شرکت خصوصی است که طبق قانون تجارت ایران تشکیل شده و انکار می‌کند که متعلق به دولت ایران یا تحت کنترل آنست. خطوط کشتیرانی ایران اکسپرس همچنین اظهار می‌دارد که خواهان تابعیت امریکایی خود را ثابت نکرده و ادعا در واقع متعلق به یک شرکت غیر امریکایی است.

۱۴ - استدلال صلاحیتی عمده خواننده در رابطه با ادعاها اینست که چون در بعضی از موارد، پرداختها مستقیماً توسط بیمه‌گران فرانسوی به عمل آمده، بنابراین مالکیت ادعاها به آنان منتقل گردیده است. بدین ترتیب، ادعاها مستمراً متعلق به اتباع

ایالات متحده نبوده و خارج از حیطه صلاحیت دیوان قرار دارند.

۱۵ - به علاوه خواننده اظهار می‌دارد که مدارک و شهادتنامه‌های خود خواهان روشن می‌سازد که خواهان "صاحب دعوی یا قائم مقام صاحب دعوی نبوده، بلکه به عنوان نماینده (agent) و بر مبنای یک توافق شفاهی عمل می‌کند و حق العمل وی درصدی از خسارات وصول شده می‌باشد." بدین ترتیب، دعاوی هنوز متعلق به بیمه‌گران فرانسوی است و چون خواهان ادعا نکرده است که بیمه‌گران فرانسوی تحت کنترل او هستند تا حق اقامه ادعای غیر مستقیمی را از طرف آنان داشته باشد، بنابراین حق طرح دعوا در این دیوان ندارد.

۱۶ - خواننده از دیوان درخواست می‌کند که ادعاها را به لحاظ فقد صلاحیت مردود اعلام و حکمی بابت هزینه‌های دادرسی به نفع وی صادر کند.

۱۷ - دیوان موضوع صلاحیت رسیدگی به ادعاها را به عنوان یک موضوع مقدماتی، مورد رسیدگی قرار می‌دهد.

سه - صلاحیت

۱۸ - خواهان مدارک مربوط به تشکیل و دایر بودن خود در ایالت نیویورک را همراه با مدارکی که علی‌الظاهر دلالت بر درصد مالکیت سهام وی توسط اتباع ایالات متحده دارد، تسلیم کرده است. دیوان قبلاً " نظر داده که خطوط کشتیرانی ایران اکسپرس از نظر بیانیه حل و فصل دعاوی، یک واحد تحت کنترل دولت است. بنگرید به: صفحات ۹-۱۰ قرار اعدادی شماره ۲-۲۶-۶۱ مورخ ۳۰ خردادماه ۱۳۶۵ [۲۰] ژوئن ۱۹۸۶] در پرونده سی‌کو اینکورپوریتد و جمهوری اسلامی ایران و سایرین (منتشره در 11 Iran-U.S. C.T.R., 210-215).

۱۹ - خواهان همچنین گواهی های تشکیل و دایر بودن گیل اند دافوس و ای ام ال هولدینگز را که اکلی اکنون به آن نام شناخته می شود، تسلیم و اذعان کرده است که ولکارت برادرز یک شرکت امریکایی نیست. یکی از الزامات اساسی بیانیه حل و فصل دعاوی اینست که هر ادعایی که در دیوان مطرح می شود، باید "از تاریخ بروز آن، تا تاریخ رسمیت یافتن این بیانیه مستمرا" در اختیار اتباع آن کشور بوده باشد. بند ۲ ماده ۷ بیانیه حل و فصل دعاوی. خواهان پیوسته استدلال کرده است که "قائم مقام کلیه حقوق بیمه گزاران اصلی در قبال خواننده بوده است". در نتیجه، برای اینکه دیوان نسبت به چنین ادعاهایی صلاحیت داشته باشد، باید ثابت شود که بیمه گزاران اصلی نیز اتباع ایالات متحده بوده اند. در مورد ولکارت برادرز این امر مسلما" صدق نمی کند. بنابراین ادعای مربوط به مبلغ ۴۳/۸۷۰،۴۸ دلاری که حسب ادعا ولکارت برادرز طلبکار است، به دلیل فقد صلاحیت رد می شود.

۲۰ - علاوه بر ضرورت اثبات این ادعا که هر یک از بیمه گزاران در تمام مدت ذریبط تبعه ایالات متحده بوده، خواهان همچنین باید ثابت کند که نه تنها حق تعقیب این دعاوی، بلکه مالکیت واقعی آنها نیز از بیمه گزاران به وی واگذار گردیده و مضافا" اینکه مالکیت مزبور هیچگاه به بیمه گران خارجی منتقل نشده است.

۲۱ - خواهان این ادعاها را به عنوان نماینده وصول بیمه گران خارجی مطرح کرده و اذعان دارد که بیمه گران اصلی به مفهوم بیانیه حل و فصل دعاوی اتباع ایالات متحده نیستند. وی اظهار می دارد که بیمه گران "به موجب موافقتنامه های جانشینی با بیمه گزاران خود، قائم مقام ایشان [بیمه گزاران] شده اند". با اینحال خواهان اظهار می دارد که با خسارتی که وی از طرف شرکتهای خارجی بیمه گر، به بیمه گزاران پرداخته، حق تعقیب دعاوی "از مالکان اصلی امریکایی به اوشن - ار انتقال یافته است، بدون آنکه وقفه ای در استمرار تابعیت ادعاها پدید آمده باشد".

۲۲ - هیچیک از موافقتنامه‌های اصلی جانشینی به عنوان مدرک ارائه نشده و دیوان از شرایط رابطه نمایندگی ادعایی بین خواهان و بیمه‌گران اطلاعی ندارد و بدین ترتیب، نمی‌تواند تعیین کند که آیا این جانشینی ادعایی مالکیت قانونی ادعاها را مستقیماً به خواهان یا به بیمه‌گران فرانسوی منتقل کرده است یا خیر و در غیر اینصورت، آیا بیمه‌گذاران پس از این جانشینی هیچ حق قانونی یا انتفاعی برای خود در ادعاها محفوظ نگه داشته‌اند تا خواهان قائم مقام چنین حقوقی گردیده و در نتیجه مالک ادعاها یا بیمه‌گذاران شده باشد.

۲۳ - جانشینی [در حقوق] یا با توافق صریح طرفین یا به موجب قانون صورت می‌گیرد. اگر من باب بحث فرض کنیم که مالکیت ادعاء با پرداخت [خسارت بیمه] توسط خواهان، قانوناً از بیمه‌گذاران منتقل شده، بازهم این سؤال باقی می‌ماند که آیا چنین مالکیتی همانطور که ادعا شده، مستقیماً به خواهان منتقل گردیده، یا اینکه به بیمه‌گران خارجی واگذار شده است. دیوان قبلاً نظر داده است که اصیل در یک رابطه کارگزاری، ذیحق نسبت به منافع و تعهدات قراردادی است که کارگزار وی با شخص ثالثی منعقد کرده و بنابراین، اصیل مالک ادعاء محسوب می‌شود، مگر آنکه مدرکی حاکی از توافقی خلاف آن ارائه گردد. برای نمونه بنگرید به: حکم شماره ۳-۱۳۲-۲۱ مورخ ۲۰ دیماه ۱۳۶۱ [دهم ژانویه ۱۹۸۳] در پرونده رکسنورد اینکورپوریتد و جمهوری اسلامی ایران و سایرین (منتشره در 6 Iran-U.S. C.T.R. 2)، حکم شماره ۱-۳۳-۱۳۵ مورخ اول تیرماه ۱۳۶۳ [۲۲ ژوئن ۱۹۸۴] در پرونده سی - لند سرویس اینکورپوریتد و جمهوری اسلامی ایران و سایرین صفحات ۱۶-۱۴، (منتشره در 6 Iran-U.S. C.T.R. 149,159)، حکم شماره ۳-۳۲۴-۲۶۳ مورخ هشتم آبانماه ۱۳۶۵ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۶] در پرونده فیوتورا تریدینگ اینکورپوریتد و شرکت ملی نفت ایران (منتشره در 13 Iran-U.S. C.T.R. 99) و حکم شماره ۳-۴۲۳-۳۴۳ مورخ ۲۷ آذرماه ۱۳۶۶ [۱۸ دسامبر

۱۹۸۷] در پرونده مینه سوتا ماینینگ اند منیو فکچرینگ کامپنی و جمهوری اسلامی ایران و سایرین صفحات ۴۸-۴۷ (منتشره در 17 Iran-U.S. C.T.R. 22-294,321).

۲۴ - خواهان هیچ مدرک یا استدلالی ارائه نداده تا ثابت کند که یا به موجب مفاد صریح توافق شفاهی با بیمه‌گر، یا طبق خود عمل جانشینی، یا طبق عرف و رویه معمول در بخش بیمه، مالکیت قانونی ادعاها از بیمه‌گذاران به خواهان به عنوان نماینده منتقل شده است و نه به اصیل. خواهان اذعان دارد که اصیل‌های قراردادهای مورد اختلاف در این پرونده تبعه ایالات متحده نیستند. بنابراین دیوان معتقد است که خواهان از عهده اثبات این مطلب که ادعاها مستمرا "متعلق به اتباع ایالات متحده بوده، بر نیامده است.

۲۵ - موضوع دیگری که باید مورد بررسی قرار گیرد، اینست که آیا خواهان با پرداخت [خسارت] به بیمه‌گذاران، حقی نسبت به مبالغ وصولی تحصیل کرده است تا بتوان وی را به تناسب حق خود به عنوان نماینده، مالک بخشی از ادعاها دانست یا خیر.

۲۶ - دیوان حدود و ماهیت چنین حقی را در حقوق عرفی [کامن لا] در حکم شماره ۳-۱۰۱۵۹-۴۳۷ مورخ ۱۳ شهریورماه ۱۳۶۸ [چهارم سپتامبر ۱۹۸۹] در پرونده آلفرد هیبر پی. ای و جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار داده است. خواهان هیچ مدرک یا استدلالی تحت هیچ نظام حقوقی ذیربط ارائه نداده است که ثابت کند حق ادعایی وی نسبت به هر مقدار خسارت وصولی، به گونه‌ای است که مالکیت نسبی بخشی از یکایک ادعاها محسوب می‌شود. دیوان معتقد است که خواهان ثابت نکرده که مالک بخشی از ادعاها به مفهوم بیانیه حل و فصل دعاوی است.

۲۷ - تنها مبنای قراردادی دیگری که خواهان براساس آن می‌توانسته مالک بخشی از ادعاها گردد، به عنوان ذینفع ثالث است. دیوان در حکم شماره ۱-۳۳-۱۳۵ صادره در پرونده سی - لند سرویس، اینکوپوریتد و دولت جمهوری اسلامی ایران صفحات ۱۷-۱۸ (منتشره در 6 Iran-U.S. C.T.R. 160-61) حق خواهان را در خواستار شدن اجرای قرارداد به عنوان ذینفع ثالث، پذیرفته است. یکی از دلایلی که ذینفع ثالثی می‌تواند اجرای قراردادی را بخواهد، اینست که قصد طرفین قرارداد چنین بوده باشد. دیوان در این پرونده چنین قصدی را مشاهده نمی‌کند. هر مقدار حق‌العمل متعلقه یا هر مبلغی که خواهان می‌بایست [از عواید حاصله] برداشت می‌کرد، موضوع قرارداد جداگانه‌ای بین خواهان و بیمه‌گر بوده است. به این دلایل، دیوان معتقد است که خواهان حق ندارد ادعایی قراردادی به عنوان ذینفع ثالث اقامه کند.

۲۸ - بنابراین دیوان معتقد است که خواهان نتوانسته ثابت کند که ادعاها مستمرا" متعلق به اتباع ایالات متحده بوده، و یا در غیر اینصورت، وی به عنوان قائم مقام مستقیم بیمه‌گذاران، حق مالکیت قانونی نسبت به بخشی از ادعاها کسب کرده است. بر این اساس، مابقی ادعاها نیز به لحاظ فقد صلاحیت رد می‌شوند.

چهار - حکم

۲۹ - به دلایل پیشگفته،

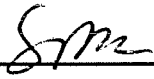
دیوان به شرح زیر حکم صادر می‌کند:

الف - ادعای اوشن - ار کارگو کلیمز، اینکوپوریتد علیه جمهوری اسلامی ایران به

لحاظ فقد صلاحیت رد می شود.

ب - هر یک از طرفین باید هزینه های داوری مربوط به خود را تقبل کند.

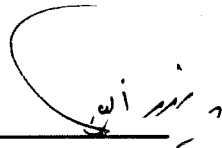
مهر
لاسه، به تاریخ ۲۴ آذرماه ۱۳۶۸ برابر با ۱۵ دیس ۱۹۸۹ .



گایتانو آرانجیو - روئیتس

رئیس شعبه سه

به نام خدا



پرویز انصاری معین



ریچارد سی. الیسون